

نقش توسعه سیاسی بر کارآمدی نظام جامع اداری

بهروز آقا محمدی* - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران
میرابراهیم صدیق - دکترا تخصصی علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران
رضا شیرزادی - استادیار علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲

چکیده

چنانچه آسیب‌ها و معضلات سیاسی، اداری، اجتماعی، اقتصادی و... هر کشوری به حد غیر قابل حل و فشار آور بر مردم برسد، دو حالت پیش می‌آید: اول، بستر را برای ورود یک تهدید فراهم می‌نماید، دوم، خود به تهدید امنیتی تبدیل خواهد شد. عواملی نظیر عدم تناسب فرصت‌های شغلی، بحران‌های اقتصادی، خطر امحاء فرصت‌های موجود در نظام جامع اداری، عدم تناسب بین هزینه‌ها و درآمد، جامعه را در تشویش و دغدغه‌های مداوم قرار داده است. از سوی دیگر، نظم‌گریزی، عدم جامعه‌پذیری، ترجیح منافع فردی و گروهی بر منافع ملی در بین نخبگان سیاسی موجب تنش و بی‌ثباتی سیاسی جامعه می‌شود که در صورت بی‌توجهی به حل و فصل آن با ساز و کارهای قانونی، امنیت اداری و ملی در معرض خطر قرار خواهد گرفت. ساختار نظام اداری هر کشوری، سیستم تنظیم‌کننده کلیه فعالیت‌ها برای نیل به هدف‌هایی است که از پیش تعیین شده است. امروزه به لحاظ شرایط داخلی و موقعیت بین‌المللی ایران، ضرورت تحول در نظام اداری کشور بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. با توجه به اینکه نظام اداری به ساختار و بنیان اجتماعی و اهداف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی کشور وابسته است و نمی‌توان به صورت انتزاعی به آن پرداخت. بنابراین با توجه به تأثیر مؤلفه‌های پیش‌گفته، به‌خصوص نظام سیاسی و توسعه نهاد‌های سیاسی بر اصلاح نظام اداری، مقاله حاضر به بررسی تأثیر توسعه نهاد‌های سیاسی - مدنی بر کارآمدی نظام جامعه اداری پرداخته شده است.

واژه کلیدی: توسعه سیاسی، نظام اداری، نهاد‌های سیاسی مدنی.

مقدمه

در فرایند توسعه سیاسی، نظام اداری و اجزای آن نقشی تسهیل‌کننده و راهبردی دارد. یکی از مسائل نظام اداری که در کارایی و دستیابی به اهداف و انجام‌دادن مأموریت‌ها اهمیت بسزایی دارد. نظام‌مندکردن اصولی ساختارهای سازمانی است. تحولات در عرصه مدیریت امور عمومی بیانگر آن است که ساختار سیاسی و نظام اداری در چارچوب ارتباطی متقابل نقش بهینه‌ای در عرصه سیاست‌گذاری عمومی دارند. به عبارتی، توسعه سیاسی و اداری از یک دیگر تأثیرپذیرند و قلب حکومت را تشکیل می‌دهند (Dahlstrom, 2012: 361).

در مورد ارتباط ساختار سیاسی و نظام اداری سه دسته نظریه مطرح است: نظریه اول، به ارتباط متقابل این دو توجه دارد؛ نظریه دوم، بر جدایی نظام اداری و سیاسی تأکید دارد؛ نظریه سوم، دسته‌ای از نظریات که بر اولویت هر یک بر دیگری اشاره می‌کند (Demir, 2010: 3).

عملکرد اداری اساساً سیاسی است و نظام اداری در بستر ساختار سیاسی شکل می‌گیرد. دغدغه اندیشمندان اداره عمومی مانند نظریه‌پردازان سیاسی ایجاد یک جامعه خوب است. از نظر پولیت و بوکرت، کارکرد (موضع) کارکنان اداری تا حدودی سیاسی است؛ حتی زمانی که سیاستمداران و مقامات ارشد مسیرهای شغلی مجزایی را می‌پیمایند (Eicher, 2013: 372). در مورد شاخص‌های توسعه سیاسی آرای یکسانی وجود ندارد. اندیشمندان مختلفی چون لوسین پای، گابریل آلموند، لئونارد بایندر، مایرون واینر، دیوید اپتر، هارولد لاسول، و هانتینگتون شاخص‌هایی برای توسعه سیاسی برشمرده‌اند (عالم، ۱۳۸۲: ۲۳۱). توسعه سیاسی علاوه بر دموکراتیک‌شدن حکومت و روابط سیاسی شامل معیارها و ملاک‌هایی چون کارآمدی حکومت و نخبگان سیاسی، توانمندی تشکل‌های سیاسی، تعادل فرهنگ و گفتارهای سیاسی و سرانجام توانمندی شهروندان برای مشارکت هماهنگ و هم‌افزا در سامان‌دهی امور است (دلآوری، ۱۳۹۴: ۴۰۱). در این پژوهش دو سؤال عمده مطرح است: الف) نهادهای سیاسی - مدنی چگونه می‌توانند موجب توسعه سیاسی کشور شوند؟ ب) نهادهای سیاسی - مدنی چگونه بر کارآمدی نظام جامع اداری کشور تأثیر می‌گذارند؟ به دنبال این پرسش‌ها، این فرضیه‌ها مطرح می‌شود: نهادهای سیاسی - مدنی با کارکردهای متفاوتی چون گسترش مشارکت سیاسی، ایجاد مشروعیت برای حکومت، ایجاد یکپارچگی ملی و انسجام اجتماعی، مدیریت منازعات و بحران‌ها، و جامعه‌پذیری سیاسی می‌توانند موجب توسعه سیاسی کشور شوند. همچنین، نهادهای سیاسی - مدنی با کمک به گسترش آگاهی سیاسی مردم، شهروندان را به زندگی انتقادی و همبستگی و فعالیت جمعی سوق می‌دهند و بدین ترتیب در شکل‌دهی و تبیین مصالح دینی و ملی تأثیری سودمند بر جای می‌گذارند و بر کارآمدی نظام جامع اداری کشور تأثیر می‌گذارند. هدف از این تحقیق بررسی رابطه و نسبت توسعه نهادهای سیاسی - مدنی با عملکرد نظام جامع اداری است و اینکه چگونه آسیب‌ها و چالش‌های فساد اداری به یک تهدید تبدیل خواهد شد.

مبانی نظری

در فرایند توسعه سیاسی، نظام اداری و اجزای آن نقشی تسهیل‌کننده و راهبردی دارد. یکی از اجزای نظام اداری که در کارایی و دستیابی به اهداف و انجام مأموریت‌ها دارای اهمیت بسزایی است، سازمان‌دهی اصولی ساختارهای سازمانی است. تحولات در عرصه مدیریت امور عمومی بیانگر آن است که سیاست و اداره در چارچوب ارتباطی متقابل نقش بهینه‌ای در عرصه سیاست‌گذاری عمومی دارند. به عبارتی، توسعه سیاسی و اداری از یکدیگر تأثیرپذیرند و قلب حکومت را تشکیل می‌دهند (Dahlstrom, 2012: 361). عملکرد اداری اساساً سیاسی است و اداره در بستر سیاسی شکل می‌گیرد. دغدغه اندیشمندان اداره عمومی مانند نظریه‌پردازان سیاسی ایجاد یک جامعه خوب است. از نظر پولیت و

بوکرت، کارکرد (موضع) کارکنان اداری تا حدودی سیاسی است؛ حتی زمانی که سیاستمداران و مقامات ارشد مسیرهای شغلی مجزایی را می‌پیمایند (Eicher, 2013: 372). امروزه، احزاب یکی از ضروریات زندگی جوامع بشری در دوره مدرن محسوب می‌شوند؛ به طوری که به عنوان یکی از مؤثرترین نهادهای تأثیرگذار بر روندهای تصمیم‌گیری و اجرایی کشور و به عنوان حلقه‌ی رابط بین مردم و حاکمیت سیاسی عمل می‌کنند. در جوامع و نظام‌های سیاسی کنونی تقریباً هم‌اندیشی کاملی نسبت به ضرورت حزب وجود دارد و از احزاب به عنوان چرخ دنده‌ی ماشین دموکراسی یاد می‌شود (زیباکلام، ۱۳۹۳: ۲). نظام‌های سیاسی بر اساس بنیادهای ارزشی و فرهنگ خاص خود شکل می‌گیرند و برای عملی کردن ارزش‌ها، ساختارها و نهادهای حکومتی مناسب خود را شکل می‌دهند. هر یک از ساختارها و نهادها کارکردهای خاص خود را به اجرا می‌گذارند و نظام سیاسی را در تحقق هدف‌ها و ارزش‌ها یاری می‌کنند (عسگری ساجدی، ۱۳۹۵: ۱).

در این مقاله آنچه محور بحث است عبارت است از: توسعه سیاسی؛ احزاب سیاسی؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ انضباط اداری-مالی؛ مبارزه با فساد و سلامت اداری. در اینجا به تعریف هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود:

توسعه سیاسی

لوسین پای فهرست کاملی از معانی مختلف توسعه سیاسی را گرد آورد. فهرست وی شامل معانی متعددی است؛ از جمله نوسازی سیاسی، ثبات و تحول منظم به بسیج و قدرت، ساختن دموکراسی، مشارکت و بسیج توده‌ای، عملیات یک دولت ملی، شرایط سیاسی لازم برای توسعه اقتصادی بعدی از فرایند چندجانبه تحول اجتماعی، و توسعه اداری و قانونی. روبرت وارد و روستو بر آن است که توسعه سیاسی عبارت است از رسیدن به جامعه سیاسی مدرن که دارای ویژگی‌هایی است همچون حاکمیت شیوه عقلانی و دنیوی بر تصمیم‌گیری‌ها، تنوع و سیستم کارکردی خاص حاکم بر سازمان حکومتی، میزان بالای همگرایی و یکپارچگی در درون ساختار حکومتی، گستره زیاد تصمیمات سیاسی و اداری، احساس همبستگی بسیار زیاد با تاریخ و سرزمین و هویت ملی، قرارگرفتن فنون کنترل و قضایی بر مبنای یک نظام حقوقی دنیوی و غیرشخصی و منابع محلی گسترده و دخالت در نظام سیاسی، و تخصیص نقش‌های سیاسی از طریق ضابطه (رحیمی، ۱۳۷۸: ۷).

توسعه سیاسی، علاوه بر دموکراتیک‌شدن حکومت و روابط سیاسی شامل معیارها و ملاک‌هایی چون کارآمدی حکومت و نخبگان سیاسی، توانمندی تشکل‌های سیاسی، تعادل فرهنگ و گفتارهای سیاسی و سرانجام توانمندی شهروندان برای مشارکت هماهنگ و هم‌افزا در سامان‌دهی امور است (دلآوری، ۱۳۹۴: ۴۰۱).

چگونگی ایفای نقش و عملکرد احزاب در جوامع

احزاب نقش کلی بسیج عمومی و شرکت در انتخابات را بر عهده دارند، همچنین رقابت با دیگر احزاب و گاه با حکومت و نیز نقش‌های خاص دیگر. احزاب هم از طریق عضوپذیری هم یافتن هوادار بر مشارکت سیاسی لایه‌های مختلف یک جامعه سیاسی تأثیر مستقیم می‌گذارند. احزاب افراد نخبه یک جامعه را که دارای گرایش‌های فکری نزدیک به مرام و عقاید حزب بوده جمع می‌کنند و، با آموزش، آن‌ها را به مقامات سیاسی می‌گمارند و در سطح دیگر هواداران حزب را با مسائل سیاسی آشنا می‌کنند و در کل و به‌ویژه در ایام انتخابات یک نوع آموزش همگانی مشارکت سیاسی برگزار می‌کنند.

احزاب، علاوه بر کارکردهای نظری، دارای نقش‌های عملی نیز می‌باشند که از این طریق به حفظ یک‌پارچگی همگانی، مشارکت سیاسی، انسجام درونی، و تداوم کارکردهای نظام‌های سیاسی کمک می‌کنند. احزاب آگاهانه یا

ناآگاهانه موجب کارکردهایی در جامعه می‌شوند و منافی برای جامعه ایجاد می‌کنند که بدون وجود حزب تصور آن ممکن نیست. هر چند از سوی دیگر ممکن است کارکردهایی نیز داشته باشند که نه تنها منافی به همراه نداشته باشند بلکه دارای مضرات نیز باشند (نوذری، ۱۳۸۱: ۸۸).

سازمان‌های مردم‌نهاد

سازمان‌های غیر دولتی یا سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) در رایج‌ترین تعریف به سازمان‌های خصوصی اشاره دارد که برای رفع گرفتاری‌ها و آلام مردم و ارتقای سطح زندگی ایجاد می‌شوند و در کاهش معضلات اجتماعی نقش اساسی برعهده دارند. سازمان‌های غیردولتی گروه‌های داوطلبانه فردی یا سازمانی عمدتاً غیرانتفاعی‌اند که معمولاً وابسته به هیچ دولتی نیستند و در سطح محلی، ملی، یا بین‌المللی برای خدمت‌رسانی یا سیاست‌گذاری عمومی شکل گرفته‌اند (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷).

انضباط اداری - مالی و مبارزه با فساد

اگرچه در ساختار اداری و مالی کشورها مؤسسات زیادی به‌عنوان نهادهای کنترلی در بخش عمومی مأموریت دارند، باز هم اطمینان معقولی از وجود و حاکمیت انضباط مالی در بخش عمومی در دست نیست (مبینی دهکردی، ۱۳۸۷: ۳۱). لکن، در تحقق این انضباط، مبارزه با فساد الزامی است. اصولاً تعریف قابل قبول همگانی درباره فساد وجود ندارد و در همه تعاریف اصولاً آنچه ارائه شده مشترک است و به نوعی هنجارشکنی و تخطی از هنجارهای اخلاقی و قانونی در عملکرد سازمانی مستخدم دولت در ارتباط با اشخاص غیردولتی است و از این روست که فساد و تعریف آن تابعی از هنجارهای مورد قبول در هر جامعه و فرهنگ می‌شود. بنابراین، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. بانک جهانی در تعریف فساد آن را به معنی «سوءاستفاده از منصب عمومی برای نفع شخصی دانسته، اما وبگاه شفافیت تعریف جامع‌تری از فساد ارائه داده و فساد را هرگونه سوءاستفاده سیاسی - اقتصادی می‌داند. فساد مالی استفاده از قدرت گروهی و عمومی برای به‌دست‌آوردن افزونه یا منافع شخصی است. انحصار حکومت بر کنترل منابع عمومی و دسترسی انحصاری به اطلاعات خاص زمینه و بستر مناسبی را در جهت گسترش فساد مالی در بخش دولتی فراهم می‌کند. با توجه به تعاریف یادشده، فساد مالی دربردارنده مصادیق متنوع و مختلفی است و نمی‌توان آن را به‌عنوان یک فعل مجرمانه واحد قرار داد (فاضلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۵۶).

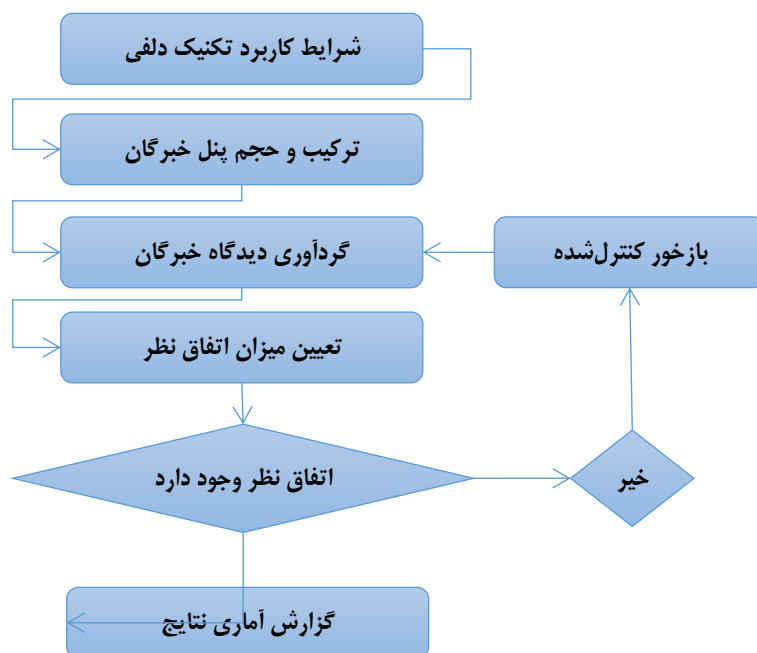
سلامت اداری

سلامت اداری یک واقعیت اجتماعی است که برآیند کنش‌ها و واکنش‌های مجموع کارکنان سازمان است. سازمان سالم سازمانی است که در مبادله اطلاعات مورد اعتماد است؛ دارای قابلیت انعطاف و خلاقیت برای ایجاد تغییرات لازم بر حسب اطلاعات به‌دست آمده است؛ نسبت به اهداف سازمان یگانگی و تعهد وجود دارد. حمایت داخلی و ترس از آزادی تهدید را فراهم می‌آورد؛ زیرا تهدید به ارتباط خوب و سالم آسیب می‌رساند، قابلیت انعطاف را کاهش می‌دهد و به جای علاقه به کل نظام حفاظت از خود را تحریک می‌کند (عباس‌زاده، ۱۳۶۹).

یک نظام اداری سالم نظامی کارآفرین و شاد است که به رفاه و آسایش فکری، جسمی، خشنودی، و انگیزش مثبت نیروی انسانی در کنار تولید کالا و ارائه خدمت براساس نیاز واقعی مشتری و با توجه به کیفیت و کمیت آن و سودآوری منطقی توجه دارد. دستیابی به چنین وضعیتی در صورتی امکان‌پذیر است که کلیه عوامل سازمان در جهت اهداف سازمان حرکت کنند (حاجی‌خلیل، ۱۳۹۳). بزرگ‌شدن بنگاه‌ها، پراکندگی جغرافیایی، رشد فناوری زمینه و سوسه ارتکاب تقلب در

مدیران، کارکنان، و افراد بیرونی مرتبط با سازمان‌ها و بنگاه‌ها را فراهم کرده است. تقلب و فساد واقعیتی است که به راحتی نمی‌توان از آن چشم پوشید؛ معضلی که موجب می‌شود سلامت نظام اداری به خطر افتد و در نتیجه هزینه کسب و کار بالا رود و فضای بی‌اعتمادی جامعه را فراگیرد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۵).

مدل مفهومی تحقیق



نمودار ۱. چارچوب نظری تکنیک دلفی در تحقیقات کیفی

مدل مفهومی پژوهش برگرفته از مدل دلفی است. تکنیک دلفی یکی از روش‌های کسب دانش گروهی است که در تصمیم‌گیری پیرامون مسائل کیفی نیز کاربرد دارد. در پژوهش‌های کیفی، که جنبه اکتشافی دارد و شناسایی ماهیت و عناصر بنیادین یک پدیده محور مطالعه است، می‌توان از تکنیک دلفی استفاده کرد. تکنیک دلفی فرایندی ساختارمند برای گردآوری اطلاعات در طی راندهای متوالی و درنهایت اجماع گروهی است. در این مطالعه یک چارچوب نظری جامع برای به‌کارگیری تکنیک دلفی در پژوهش‌های کیفی ارائه شده است. در چارچوب نظری ارائه‌شده، به‌صورت روشن اصول به‌کارگیری و اجماع در تکنیک دلفی در تحقیقات کیفی بیان شده است. نگرش راهبردی در مدیریت منابع با تکیه بر مجموع دیدگاه‌ها، سیاست‌ها، ساختارها، و نظام‌های مؤثر در این زمینه از پیشامدهای ناگهانی آینده و وقوع شرایط بحرانی پیشگیری می‌کند و موجب توسعه پایدار منابع خواهد شد. هدف از این تحقیق دستیابی به چگونگی رابطه و نسبت بین توسعه نهادهای سیاسی-مدنی و عملکرد نظام جامع اداری است.

روش پژوهش

در این تحقیق نخست عوامل تأثیرگذار نهادهای سیاسی-مدنی بر کارآمدی نظام جامع اداری با استفاده از کتاب‌ها، مقالات علمی، مجلات، رساله‌ها، اسناد دولتی (نظیر نامه‌ها، گزارش‌ها، نقشه‌ها، جداول، تحلیل‌ها)، نشریه‌های رسمی و دولتی، و آمارنامه‌ها تهیه شده است. اطلاعات ذکرشده در فضای واقعی با مراجعه به مراکز علمی و استفاده از

کتابخانه‌های موجود دانشگاه‌ها و سازمان‌ها و در فضای مجازی با استفاده از شبکه اینترنت، جست‌وجو در پایگاه‌ها، بانک‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌های دیجیتالی داخلی و خارجی جمع‌آوری شد. همچنین، برای تنظیم پرسش‌نامه مصاحبه‌هایی با شهروندان و مسئولان اداراتی که ارتباط مستقیم با موضوع تحقیق دارند انجام پذیرفت. با توجه به نتیجه مصاحبه‌ها و آرای مسئولان، پرسش‌نامه مقدماتی تنظیم و به‌منظور یافتن اشکالات و رفع اشکالات بین چند نفر از دبیران احزاب و چندین کارشناس خبره توزیع شد و بعد از چندین بار اصلاح و بازنگری پرسش‌نامه نهایی تنظیم شد. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای- اسنادی و پیمایشی است. در این پژوهش ۴۷۰ پرسش‌نامه الکترونیکی برای صاحب‌نظران و اهل فن شامل کارمندان عالی‌رتبه، استادان دانشگاه، دبیران و اعضای حزب‌های سیاسی و NGOها فرستاده شد که ۱۳۷ نفر به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند که از این تعداد ۱۰۰ پاسخ ارسالی با لحاظ تخصص و تجربه پرسش‌شوندگان با استفاده از روش دلفی بررسی و تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش

نظام اداری هر کشوری سیستم تنظیم‌کننده کلیه فعالیت‌ها برای نیل به هدف‌هایی است که از پیش تعیین شده است. نهادهای سیاسی در هر کشوری سیاست‌گذاران و واضعان خط مشی عمومی آن کشور به‌شمار می‌روند و نظام اداری مجری آن سیاست‌ها و واضعان خط مشی است. آنچه نگارندگان در این مقاله به دنبال آن‌اند شناسایی و فهرست نقاط قوت، ضعف، فرصت، و تهدید نظام سیاسی و اداری ایران با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده از متخصصان و کارشناسان است. در پرسش‌نامه از متخصصان پرسیده شد توسعه نهادهای سیاسی- مدنی چگونه موجب توسعه سیاسی کشور می‌شود؟ پاسخ آن‌ها به این پرسش در جدول ۱ آمده است:

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، از نظر متخصصان و کارشناسان، به‌ترتیب شاخص‌های زیر در موجب توسعه سیاسی

کشور می‌شوند:

۱. آزادی، اقتدار، و نهادمندی؛
۲. میزان فعالیت مطبوعات و آزادی آن‌ها؛
۳. بین‌المللی شدن حقوق شهروندی؛
۴. رشد و گسترش رسانه‌های عمومی و شبکه وسیع ارتباطات؛
۵. ضرورت پیوستن به ساختار جهانی؛
۶. ایفای نقش مهم سازمان‌ها و نهادهای مدنی در سطح جهان؛
۷. وقوع انقلاب اسلامی در ایران به‌عنوان یک شگفتی‌ساز (تحول در گفتمان سیاسی و فرهنگی)؛
۸. میزان مشارکت مردم در انتخابات؛
۹. مدنی شدن روابط قدرت میان دولت‌ها بر توسعه سیاسی کشور؛
۱۰. تکثر و رقابت احزاب و نهادهای سیاسی- مدنی؛
۱۱. شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی.

همچنین، از پرسش‌شوندگان پژوهش خواسته شده بود عوامل تأثیرگذار بر کارآمدی نظام جامع اداری کشور را

مشخص کنند. پاسخ آن‌ها به این پرسش در جدول ۲ آمده است:

جدول ۱. میزان فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان به سؤال توسعه نهادهای سیاسی - مدنی چگونه موجب توسعه سیاسی کشور می‌شود؟

ردیف	سؤالات	آمار توصیفی	کاملاً موافقم	موافقم	حدوداً	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	تکثر و رقابت احزاب و نهادهای سیاسی مدنی بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	فراوانی	۳۰	۴۰	۱۰	۱۰	۱۰
		درصد فراوانی	۳۰	۴۰	۱۰	۱۰	۱۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۷۰	۳۰	۲۰	۱۰
۲	آزادی، اقتدار، و نهادمندی از وجوه مثبت نهادهای سیاسی - مدنی کشور و از ارکان اصلی توسعه سیاسی است.	فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۱۰	۰	۰
۳	میزان فعالیت مطبوعات بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	فراوانی	۵۰	۴۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۵۰	۴۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۵۰	۱۰	۰	۰
۴	میزان مشارکت مردم در انتخابات بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	فراوانی	۴۰	۳۰	۱۰	۱۰	۱۰
		درصد فراوانی	۴۰	۳۰	۱۰	۱۰	۱۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۳۰	۲۰	۱۰
۵	بین‌المللی شدن حقوق شهروندی بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۱۰	۰	۰
۶	ضرورت پیوستن به ساختار جهانی بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	فراوانی	۴۰	۴۰	۱۰	۱۰	۰
		درصد فراوانی	۴۰	۴۰	۱۰	۱۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۲۰	۱۰	۰
۷	ایفای نقش مهم سازمان‌ها و نهادهای مدنی در سطح جهان بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	فراوانی	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰	۰
		درصد فراوانی	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۴۰	۶۰	۳۰	۱۰	۰
۸	رشد و گسترش رسانه‌های عمومی و شبکه وسیع ارتباطات بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	فراوانی	۵۰	۴۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۵۰	۴۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۵۰	۱۰	۰	۰
۹	شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	فراوانی	۳۰	۳۰	۲۰	۱۰	۱۰
		درصد فراوانی	۳۰	۳۰	۲۰	۱۰	۱۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۷۰	۴۰	۲۰	۱۰
۱۰	وقوع انقلاب اسلامی در ایران به‌عنوان یک شگفتی‌ساز (تحول در گفتمان سیاسی و فرهنگی) بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	فراوانی	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰	۰
		درصد فراوانی	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۳۰	۱۰	۰
۱۱	مدنی‌شدن روابط قدرت میان دولت‌ها بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	فراوانی	۳۰	۵۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۳۰	۵۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۷۰	۲۰	۰	۰

مأخذ: نگارنده

جدول ۲. میزان فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان به عوامل تأثیرگذار بر کارآمدی نظام جامع اداری کشور

ردیف	سؤالات	آمار توصیفی	کاملاً موافقم	موافقم	حدوداً	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	تأثیرگذاری بر نهادمندی ضوابط سلامت نظام اداری	فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۱۰	۰	۰
۲	ارتقای سلامت فردی و نهادی در جامعه	فراوانی	۶۰	۳۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۶۰	۳۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۴۰	۱۰	۰	۰
۳	مطالبه مناسب‌سازی ساختار سازمانی	فراوانی	۴۰	۴۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۴۰	۴۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۲۰	۰	۰

ادامه جدول ۲. میزان فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان به عوامل تأثیرگذار بر کارآمدی نظام جامع اداری کشور

ردیف	سؤالات	آمار توصیفی	کاملاً موافقم	موافقم	حدوداً موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم
		فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰	۰
۴	پیشنهاد برای اصلاح و بهبود برخی از رویه‌های کاری	درصد فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۱۰	۰	۰
		فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
۵	اعمال سیاست‌های تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی	درصد فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۵۰	۵۰	۲۰	۰	۰
		فراوانی	۷۰	۲۰	۱۰	۰	۰
۶	تغییر در رابطه دولت-ملت‌ها و پاسخ‌گویی به شهروندان	درصد فراوانی	۷۰	۲۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۳۰	۱۰	۰	۰
		فراوانی	۲۰	۵۰	۳۰	۰	۰
۷	شکل‌گیری استراتژی دولت حداقلی و جامعه مدنی در سایر کشورها	درصد فراوانی	۲۰	۵۰	۳۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۸۰	۳۰	۰	۰
		فراوانی	۸۰	۲۰	۰	۰	۰
۸	برقراری نظام شایسته‌سالاری در انتخاب‌ها و انتصاب‌ها	درصد فراوانی	۸۰	۲۰	۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۲۰	۰	۰	۰
		فراوانی	۷۰	۲۰	۱۰	۰	۰
۹	بهبود فرهنگ عمومی و تقویت نظارت مردمی	درصد فراوانی	۷۰	۲۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۳۰	۱۰	۰	۰
		فراوانی	۶۰	۳۰	۱۰	۰	۰
۱۰	تقویت مشارکت و فعالیت بخش‌های غیردولتی با رفع موانع انحصاری در فعالیت‌های اقتصادی، اجرایی و توسعه کشور	درصد فراوانی	۶۰	۳۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۴۰	۱۰	۰	۰
		فراوانی	۶۰	۳۰	۱۰	۰	۰
۱۱	تدوین نظام حقوقی مؤثر برای پیشگیری و مبارزه با فساد و افزایش سلامت در اتخاذ تصمیمات، اقدامات، و فعالیت‌های سازمان‌های دولتی و عمومی	درصد فراوانی	۶۰	۳۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۴۰	۱۰	۰	۰
		فراوانی	۴۰	۴۰	۲۰	۰	۰
۱۲	بهبود فرهنگ سازمانی و تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی در رفتار سازمانی و شغلی کارکنان	درصد فراوانی	۴۰	۴۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۲۰	۰	۰

مأخذ: نگارنده

از نظر این کارشناسان، شاخص‌های زیر بر کارآمدی نظام جامع اداری کشور تأثیرگذارند:

۱. برقراری نظام شایسته‌سالاری در انتخاب‌ها و انتصاب‌ها؛
۲. تغییر در رابطه دولت-ملت‌ها و پاسخ‌گویی به شهروندان؛
۳. ارتقای سلامت فردی و نهادی در جامعه؛
۴. بهبود فرهنگ عمومی و تقویت نظارت مردمی؛
۵. اعمال سیاست‌های تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی؛
۶. تقویت مشارکت و فعالیت بخش‌های غیردولتی با رفع موانع انحصاری در فعالیت‌های اقتصادی، اجرایی و توسعه کشور؛
۷. تدوین نظام حقوقی مؤثر برای پیشگیری و مبارزه با فساد و افزایش سلامت در اتخاذ تصمیمات، اقدامات، و فعالیت‌های سازمان‌های دولتی و عمومی؛
۸. مطالبه مناسب‌سازی ساختار سازمانی؛
۹. نهادمند کردن ضوابط سلامت نظام اداری؛

۱۰. بهبود فرهنگ سازمانی و تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی در رفتار سازمانی و شغلی کارکنان؛
 ۱۱. اصلاح و بهبود برخی از رویه‌های کاری.

نکته مهم‌یافته این سؤال این است که متخصصان و کارشناسان به نظام شایسته‌سالاری اهمیت زیادی می‌دهند. ذکر این نکته لازم است که منابع انسانی ارزشمندترین منابع سازمان‌ها محسوب می‌شوند که با تلاش همگانی و ایجاد همگانی میان آن‌ها و به‌کارگیری صحیح از آنان و دیگر اجزای سازمان می‌توان اهداف سازمانی را تحقق بخشید. این منابع دارای توانایی‌ها و قابلیت‌های بالقوه‌ای هستند که در محیط سازمانی به فعل تبدیل می‌شوند و دستیابی به این مهم نیازمند درک و شناخت کامل انسان‌ها و فراهم‌کردن شرایط مناسب برای کار و تلاش است. یکی از مواردی که در این زمینه قابل بررسی است قراردادادن افراد در جایگاه‌های مناسب با توانایی و تجارب و قابلیت آن‌هاست که این فرایند در قالب نظام شایسته‌سالاری بررسی شده است. سامانه شایستگی به‌منزله موضوعی بدیع و مجموعه‌ای پیچیده از سازوکارهایی است که باید طی فرایندی بلندمدت، علمی، و سنجیده در ادارات و سازمان‌ها استقرار یابد. لازمه شایسته‌سالاری فراهم‌آوردن زیربناهای مربوطه از نظر ساختاری، نگرشی، قانونی، و سازمانی است. استقرار شایسته‌سالاری در یک سازمان با شایسته‌دوستی شروع، با شایسته‌گزینی و شایسته‌پروری تکامل، و با شایسته‌داری تداوم می‌یابد. درواقع، اجرای شایسته‌سالاری به کوششی درازمدت، پیگیر، و مستمر برای دگرگونی اجتماعی و فرهنگی نیاز دارد. برای دگرگونی هم باید زمینه‌های مختلف به‌طور هم‌زمان به‌کار گرفته شوند. در کشورمان لایحه شایسته‌سالاری مشتمل بر ۹ ماده در راستای اجرای ماده ۱۴۱ قانون برنامه چهارم توسعه از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای طی مراحل قانونی به هیئت وزیران در مردادماه ۱۳۸۴ ارائه شده است که این لایحه اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱. استقرارنظام شایسته‌سالاری؛

۲. ایجاد ثبات در خدمات مدیران؛

۳. رعایت عدالت در انتصاب‌ها؛

۴. کاهش تأثیر تغییرات سیاسی در انتخاب و انتصاب مدیران.

مورد بعدی که مورد توجه کارشناسان قرار گرفته مسئله پاسخ‌گویی به شهروندان است؛ پاسخ‌گویی مسئله‌ای مهم و چالش‌آور است و یکی از متداول‌ترین معیارها برای ارزیابی «مردم‌سالاری» ارائه خدمات عمومی و تحقق پاسخ‌گویی عمومی است. پاسخ‌گویی با ایجاد شفافیت موجب از بین رفتن شکاف میان مسئولین و مردم یا حاکمیت‌کنندگان و حاکمیت‌شوندگان می‌شود. رابطه دولت و شهروندان سیستم پاسخ‌گویی را شکل می‌دهد که به موجب آن سازمان‌های دولتی وظایف خود را انجام می‌دهند و شهروندان اجازه می‌دهند این وظایف انجام شوند، مشروط بر اینکه وکیل از حد خود تجاوز نکند و پاسخ‌گو باشد. لازمه دموکراسی داشتن یک سیستم پاسخ‌گویی مناسب است. سازمان‌های دولتی به‌وسیله مردم و برای مردم ایجاد می‌شوند و باید در برابر آن‌ها پاسخ‌گو باشند (هیوز، ۱۳۹۲). پاسخ‌گویی یکی از ابزارهای کنترل و نظارت بر قدرت و مقابله با سوءاستفاده از قدرت است. اگر قدرت‌ها پاسخ‌گو نباشند، یک‌سویه و مستبد و فسادانگیز خواهند شد. فقدان پاسخ‌گویی موجب بی‌اعتمادی است و در بی‌اعتمادی دموکراسی و شهروندی مفهومی نخواهد داشت.

از پرسش‌شوندگان پژوهش خواسته شده بود که عوامل نارضایتی مردم و تهدید نظام اداری را مشخص کنند. پاسخ آن‌ها به این پرسش در جدول ۳ آمده است:

جدول ۳. میزان فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان به عوامل نارضایتی مردم و تهدید نظام اداری

ردیف	سوالات	آمار توصیفی	کاملاً موافقم	موافقم	حدوداً	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	روند تبعیض‌آمیز امور در نظام اداری	فراوانی	۵۰	۴۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۵۰	۴۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۵۰	۱۰	۰	۰
۲	عدم تحقق برخی استانداردها و رویه‌های موجود در نظام اداری	فراوانی	۴۰	۴۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۴۰	۴۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۲۰	۰	۰
۳	عدم تناسب میان تخصص نیروها و مسئولیت‌های محوله به آنان	فراوانی	۷۰	۲۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۷۰	۲۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۳۰	۱۰	۰	۰
۴	عدم انطباق در انتصاب مدیران مبتنی بر اصول شایسته‌سالاری	فراوانی	۸۰	۲۰	۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۸۰	۲۰	۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۲۰	۰	۰	۰
۵	فقدان طول عمر مدیریتی مناسب در نظام اداری	فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۵۰	۲۰	۰	۰
۶	عدم رعایت قواعد و هنجارهای اداری - اخلاقی توسط کارکنان و مسئولان در ارائه خدمات به مردم	فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۵۰	۲۰	۰	۰
۷	عدم امکان انتقاد و طرح ایرادها به مدیران و مقامات مربوطه	فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۵۰	۲۰	۰	۰
۸	وجود فساد شبکه‌ای با همکاری مدیران و کارکنان در سطوح مختلف	فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۵۰	۲۰	۰	۰
۹	حضور برخی از دلال‌ها و واسطه‌ها در نظام اداری	فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۵۰	۳۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۵۰	۲۰	۰	۰
۱۰	استفاده غیرقانونی از اطلاعات سازمانی	فراوانی	۴۰	۳۰	۳۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۴۰	۳۰	۳۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۳۰	۰	۰

مأخذ: نگارنده

در مقابل کارآمدی نظام جامع اداری، مسئله ناکارآمدی و نارضایتی شهروندان از نظام اداری هم مطرح است. از نظر متخصصان، عوامل زیر موجبات ناکارآمدی نظام جامع اداری را فراهم می‌کند:

۱. عدم انطباق در انتصاب مدیران مبتنی بر اصول شایسته‌سالاری؛
۲. عدم تناسب میان تخصص نیروها و مسئولیت‌های محوله به آنان؛
۳. فقدان طول عمر مدیریتی مناسب در نظام اداری؛
۴. عدم رعایت قواعد و هنجارهای اداری - اخلاقی توسط کارکنان و مسئولان در ارائه خدمات به مردم؛
۵. عدم امکان انتقاد و طرح ایرادها به مدیران و مقامات مربوطه؛
۶. وجود فساد شبکه‌ای با همکاری مدیران و کارکنان در سطوح مختلف؛
۷. روند تبعیض‌آمیز امور در نظام اداری؛
۸. حضور برخی از دلال‌ها و واسطه‌ها در نظام اداری؛

۹. عدم تحقق برخی استانداردها و رویه‌های موجود در نظام اداری؛

۱۰. استفاده غیرقانونی از اطلاعات سازمانی.

اگر بگوییم یکی از مهم‌ترین فاکتورها که ریشه در بی‌اعتمادی شهروندان به مدیریت برخی مدیران دارد عدم توجه به شایسته‌سالاری است، بیراهه نگفته‌ایم؛ زیرا فقدان آن در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی، و ... ناکامی صاحبان منصب را در درازمدت در پیشبرد فعالیت‌ها به دنبال دارد و معانی استحقاق و شایستگی کاملاً زیر سؤال می‌رود. از طرفی، نیروی انسانی اساسی‌ترین عامل نظام اداری محسوب می‌شود و در صورتی که در کنار تخصص و مهارت وی به شایستگی‌اش بها داده نشود به خودباوری نمی‌رسد و سازمان‌های دولتی و خصوصی را بی‌عدالت و مبتنی بر رابطه‌سالاری قلمداد می‌کند؛ موضوعی که در حال حاضر در بسیاری از پست‌های مدیریتی ولو پست‌ها و منصب‌های کشوری و بالامقام شاهدش هستیم و رابطه جای خود را به ضابطه داده است و نظام اداری با ناکارآمدی افرادی که نه تخصص کافی دارند نه تجربه و نه تحصیل و هوش لازم، با بدنه‌ای ضعیف و سست و فقط بر پایه روابط خویشاوندی و دوستانه پیش می‌رود.

در این میان مسئله عوامل مؤثر در توسعه نهادهای سیاسی - مدنی را نیز باید مد نظر داشته باشیم. نهاد مدنی با شکل‌گیری جامعه مدنی به وجود می‌آید و جامعه مدنی با وجود نهادهای مدنی شکل می‌گیرد. زمانی که جامعه به سمت مدرن شدن حرکت کرد ساختارهای قدیمی کارکردهای خود را از دست دادند؛ به همین دلیل، باید ساختارهای جدید در جامعه ایجاد می‌شد. دوره عبور جامعه از حالت سنتی به مدرن دوره گذار نامیده می‌شود که در آن نهادهای مدنی به تدریج تشکیل شدند. در این خصوص کارشناسان مورد پرسش در این پژوهش عوامل تأثیرگذار در توسعه نهادهای سیاسی - مدنی را مطابق جدول زیر دسته‌بندی کردند.

از نظر متخصصان عوامل زیر در توسعه نهادهای سیاسی - مدنی مؤثرند:

۱. توجه به امر آموزش به منظور مقابله با موانع سنتی و فرهنگی موجود در جامعه؛
۲. شکوفاشدن فضای عمومی در جامعه (افزایش رسانه‌ها، وجود رسانه‌های فرامرزی و بین‌المللی، اینترنت)؛
۳. بالارفتن سطح سواد و تحصیلات در جامعه ایران؛
۴. توجه به امر آموزش به منظور مقابله با موانع سنتی و فرهنگی موجود در جامعه؛
۵. تلاش نهادها برای رقابت با نهادهای دیگر نه حذف آنها؛
۶. عدم وابستگی احزاب و نهادهای مدنی به بخش دولتی در استقلال عملکردی آنها تأثیر مستقیمی دارد؛
۷. آزادی، اقتدار، و نهادمندی از وجوه مثبت نهادهای سیاسی - مدنی کشور و از ارکان اصلی توسعه سیاسی است؛
۸. شکل‌گیری استراتژی دولت حداقلی و جامعه مدنی در سایر کشورها؛
۹. دگرگونی‌های جمعیتی در ایران و رشد و گسترش جمعیت جوان در ایران؛
۱۰. شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید؛
۱۱. همکاری و مساعدت لازم دستگاه‌های متولی در خصوص شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های غیردولتی؛
۱۲. همکاری و تعامل لازم دستگاه‌های نظارتی در خصوص گزارش‌های واصله از احزاب و تشکل‌های غیردولتی.

جدول ۴. میزان فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان به عوامل زیر در توسعه نهادهای سیاسی - مدنی

ردیف	سوالات	آمار توصیفی	کاملاً موافقم	موافقم	حدوداً	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	دستگاه‌های متولی همکاری و مساعدت لازم در خصوص شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های غیردولتی را به عمل می‌آورند.	فراوانی	۲۰	۳۰	۲۰	۲۰	۱۰
		درصد فراوانی	۲۰	۳۰	۲۰	۲۰	۱۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۸۰	۵۰	۳۰	۱۰
۲	دستگاه‌های نظارتی در خصوص گزارش‌های واسله از احزاب و تشکل‌های غیردولتی همکاری و تعامل لازم را دارند.	فراوانی	۱۰	۲۰	۴۰	۲۰	۱۰
		درصد فراوانی	۱۰	۲۰	۴۰	۲۰	۱۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۹۰	۷۰	۳۰	۱۰
۳	عدم وابستگی احزاب و نهادهای مدنی به بخش دولتی در استقلال عملکردی آن‌ها تأثیر مستقیمی دارد.	فراوانی	۳۰	۳۰	۲۰	۲۰	۰
		درصد فراوانی	۳۰	۳۰	۲۰	۲۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۷۰	۴۰	۲۰	۰
۴	آزادی، اقتدار، و نهادمندی از وجوه مثبت نهادهای سیاسی - مدنی کشور و از ارکان اصلی توسعه سیاسی است.	فراوانی	۳۰	۴۰	۲۰	۱۰	۰
		درصد فراوانی	۳۰	۴۰	۲۰	۱۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۷۰	۴۰	۲۰	۰
۵	دگرگونی‌های جمعیتی در ایران و رشد و گسترش جمعیت جوان در ایران	فراوانی	۲۰	۵۰	۳۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۲۰	۵۰	۳۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۸۰	۳۰	۰	۰
۶	بالارفتن سطح سواد و تحصیلات در جامعه ایران	فراوانی	۴۰	۴۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۴۰	۴۰	۲۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۴۰	۶۰	۲۰	۰	۰
۷	شکوفاشدن فضای عمومی در جامعه (افزایش رسانه‌ها، وجود رسانه‌های فرامرزی و بین‌المللی، اینترنت)	فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۶۰	۱۰	۰	۰
۸	شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید	فراوانی	۲۰	۳۰	۳۰	۲۰	۰
		درصد فراوانی	۲۰	۳۰	۳۰	۲۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۸۰	۵۰	۲۰	۰
۹	تلاش نهادها برای رقابت با نهادهای دیگر نه حذف آن‌ها	فراوانی	۳۰	۴۰	۱۰	۱۰	۱۰
		درصد فراوانی	۳۰	۴۰	۱۰	۱۰	۱۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۷۰	۳۰	۲۰	۱۰
۱۰	توجه به امر آموزش به منظور مقابله با موانع سنتی و فرهنگی موجود در جامعه	فراوانی	۵۰	۴۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی	۵۰	۴۰	۱۰	۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۵۰	۱۰	۰	۰
۱۱	شکل‌گیری استراتژی دولت حداقلی و جامعه مدنی در سایر کشورها	فراوانی	۲۰	۳۰	۴۰	۱۰	۰
		درصد فراوانی	۲۰	۳۰	۴۰	۱۰	۰
		درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰	۸۰	۵۰	۱۰	۰

ماخذ: نگارنده

نتیجه‌گیری

نظام اداری را می‌توان یک دستگاه حاکمیتی مرتبط با بدنه مردمی کشور در نظر گرفت که از حیطة نفوذ و تأثیرگذاری بسیار وسیع و عمیقی برخوردار است. مهم‌ترین کارکرد این نظام را می‌توان در تنظیم کلیه فعالیت‌ها برای نیل به هدف‌های ازپیش‌طراحی‌شده دولت‌ها خلاصه کرد. درحقیقت، همه تصمیمات و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی دولت یا نظام سیاسی حاکم بدون پشتیبانی نظام اداری تحقق‌پذیر نیست. امروزه، یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه ویژگی‌ها و خصیصه‌های نظام اداری و مدیریتی آن‌هاست. بنابراین، بخش عمده‌ای از توسعه و پیشرفت هر کشوری وابسته به کارایی و اثربخشی مدیریت و نظام اداری آن است.

در فرایند توسعه سیاسی، نظام اداری و اجزای آن نقشی تسهیل کننده و راهبردی دارد. یکی از اجزای نظام اداری که در کارایی و دستیابی به اهداف و انجام دادن مأموریت‌ها اهمیت بسزایی دارد سازمان‌دهی اصولی ساختارهای سازمانی است. تحولات در عرصه مدیریت امور عمومی بیانگر آن است که سیاست و اداره در چارچوب ارتباطی متقابل نقش بهینه‌ای در عرصه سیاست‌گذاری عمومی دارند. به عبارتی، توسعه سیاسی و اداری از یکدیگر تأثیرپذیرند و قلب حکومت را تشکیل می‌دهند.

بی‌توجهی به خواسته‌های عمومی و فساد در نظام اداری مشروعیت و کارآمدی دولت‌ها را در بلندمدت تهدید می‌کند؛ عامل شکست سازمان‌ها در محیط است و ادامه حیات و بقای آنان را با مشکل مواجه می‌کند. نظام اداری هر کشوری سیستم تنظیم‌کننده کلیه فعالیت‌ها برای نیل به هدف‌هایی است که از پیش تعیین شده است. نهادهای سیاسی در هر کشوری سیاست‌گذاران و واضعان خط مشی عمومی آن کشور به‌شمار می‌روند و نظام اداری مجری آن سیاست‌ها و واضعان خط مشی است. ضرورت اصلاح و ایجاد تحول در نظام اداری کشور به‌عنوان ابزار تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی از مواردی است که پس از انقلاب اسلامی مورد توجه دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است، اما در این زمینه موانعی وجود دارد: مهم‌ترین این موانع از نظر کارشناسان و متخصصان عدم انطباق در انتصاب مدیران مبتنی بر اصول شایسته‌سالاری و عدم تناسب میان تخصص نیروها و مسئولیت‌های محوله به آنان است. در یک مسیر تاریخی به‌ویژه در تاریخ معاصر کشورمان به عواملی چند برمی‌خوریم که درحقیقت موانع برقراری اصل شایسته‌سالاری در ایران به‌شمار می‌آیند. در میان این موانع می‌توان به مقولاتی چون تبارسالاری، جناح‌بازی، باندبازی، فقدان روش‌های قانونمند در نظام استخدام، فراهم‌نبودن بستر مناسب برای پرورش افراد شایسته، و فقدان احزاب سیاسی کارآمد اشاره کرد.

بی‌شک، مهم‌ترین علت شکست برنامه‌ها در کشورمان این است که این برنامه‌های توسعه بر اساس مدل‌های اقتصادسنجی طراحی شده‌اند، ولی نقش افراد و مدیران و اقتصاددانان شایسته در آن‌ها بسیار محدود بوده و هیچ نظارت علمی و دقیق و همچنین اندازه‌گیری میزان شایستگی افراد در اجرا وجود نداشته است و اغلب به این دلیل برای پست‌های مورد نظر انتخاب شده‌اند که از فیلترهای گزینشی خاصی عبور کرده‌اند یا دارای خصوصیات ظاهری خاصی بوده‌اند یا در اجتماعات خاصی شرکت می‌کنند. بر این اساس، در اولین اقدام باید موانعی که مانع رشد شایستگی در کشور است برداشته شود. کارایی هر سازمان به نحوه مدیریت و کاربرد صحیح منابع انسانی آن وابسته است و سازمانی موفق است که با استفاده از مدیران مجرب توان دستیابی به اهداف خود را داشته باشد. انتصاب افراد شایسته در جایگاه‌های مناسب با توانایی، تجارب، و قابلیت‌های آن‌ها فرایندی است که در قالب نظام شایسته‌سالاری بررسی می‌شود.

در عین حال، در فرایند توسعه سیاسی، نظام اداری نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. اگر افزایش ظرفیت نظام سیاسی برای پاسخ‌گویی مناسب در قبال تقاضاهای فزاینده جامعه، به‌ویژه درخواست برای برابری و مشارکت و ثبات سیاسی، را مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی بدانیم، نظام اداری نقش بسزایی در تحقق این هدف دارد؛ زیرا با وجود توانایی‌ها و منابع لازم در محیط نظام سیاسی، در شرایطی که دستگاه اداری فاقد کارایی باشد، انجام‌دادن این مهم مقدور نیست. بنابراین، توسعه و تحول اداری را می‌توان پیش‌نیاز توسعه سیاسی تلقی کرد.

منابع

۱. حاجی‌خلیل، محمد و رستم‌نیا، محمد، ۱۳۹۳، فساد اداری در مقابل سلامت اداری، با نگاهی به ایران، سومین همایش علوم مدیریت نوین، تهران
۲. حساس یگانه، یحیی؛ ظهیر، مصطفی و غفاری، زهرا، ۱۳۹۵، بررسی نقش نظارتی حسابرسان و ارتقای سلامت نظام اداری، فصل‌نامه علمی - پژوهشی، دانش حسابداری و حسابداری، مدیریت، سال ۵، شماره ۱۸.

۳. دلاوری، ابوالفضل، ۱۳۹۴، الگوی کلاسیک توسعه سیاسی؛ نگاهی به تجربه اروپای غربی، فصل‌نامه برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی، شماره ۲۲، صص ۱-۳۸.
۴. رازقی، نادر و لطفی خاچکی، بهنام، ۱۳۹۷، تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ با تأکید بر رابطه آن‌ها با دولت، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱۱.
۵. رحیمی، حسین، ۱۳۷۸، نقش احزاب در توسعه سیاسی و امنیت ملی، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، شماره ۴.
۶. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۸۲، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
۷. عباس‌زاده، میرمحمد، ۱۳۶۹، حرفه معلمی و رضایت شغلی، فصل‌نامه تعلیم و تربیت، شماره ۱، صص ۵۸-۷۴.
۸. عسگری ساجدی، محمد، ۱۳۹۵، تأثیر توسعه نهادهای سیاسی بر تحول نظام اداری، تدبیر، سال ۱، شماره ۷.
۹. فاضلی‌نژاد، جواد، ۱۳۹۴-۱۳۹۵، الگوی مطلوب مالی نظارت برون‌قوه‌ای بر بودجه در ایران با مطالعه تطبیقی فرانسه، امریکا، و انگلستان، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
۱۰. مبینی دهکردی، ساسان، ۱۳۸۷، بررسی تأثیر عملکرد دیوان محاسبات استان در کاهش موارد عدم رعایت قوانین و مقررات مالی توسط مسئولین دستگاه‌های اجرایی از دیدگاه مدیران و کارشناسان مالی استان، چهارمقال و بختیاری، مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی استانداری، کارشناسی ارشد، رشته مدیریت دولتی.
۱۱. نوذری، حسین‌علی، ۱۳۸۱، احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، نشر گسترده.
۱۲. هیوز، آون، ۱۳۹۲، مدیریت دولتی نوین، ترجمه سیدمهدی الوانی، چ ۱۴، تهران: انتشارات مروارید.
۱۳. زیبا کلام، صادق، مقتدایی، مرتضی، ۱۳۹۳، احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دهم، شماره بیست و نهم.
14. Abbaszadeh, Mir Mohammad, 1990, Teacher Profession and Job Satisfaction, *Quarterly Journal of Education*, No. 1, pp. 58-74.
15. Alam, Abdolrahman, 2003, *Foundations of Political Science*, Tehran: Ney Publishing
16. Asgarisajedi, Mohammad, 2016, The Impact of the Development of Political Institutions on the Evolution of the Administrative System Our Age in Examining the Views of the Traditional Right Spectrum, *Human Geography Research Quartely*, first year, No. 7.
17. azelienja, Javad, 2015-2016, *The favorable financial model of extra-budgetary supervision in Iran with a comparative study of France, the United States and the United Kingdom*, PhD thesis, Shahid Beheshti University, Faculty of Law.
18. Dahlstrom, C., 2012, Politics and administration, In Peters & Pierre (Ed), *The Sage Handbook of Public Administration*, (pp. 361-368), SAGE Publications Ltd.
19. Delavari, Abolfazl, 1394, The Classical Model Of Political Development; The View Of The Western European Experience *Quarterly, Journal Of Social Planning And Development*, No. 22, pp. 1-38.
20. Demir, Tansu, 2010, *Politics and Administration: Rewiew of Research and Some Suggestions*, University of Illinois at Springfield Department of Public Administration Public Affairs Center.
21. Eicher, Angela, 2013, *Relation Between Administration and Politics*, Published Originally In German.
22. Haji Khalil, Mohammad and Rostamnia, Mohammad, 2014, Administrative Corruption Vs. Administrative Health, With The View Of Iran, *Third Conference On Modern Management Sciences*, Tehran,
23. Hasas, Yeganeh, Yahya, Zahir, Mostafa, Ghaffari, Zahra, 2016, Study Of The Supervisory Role Of Auditors And Promoting The Health Of The Administrative System, *Scientific And Research Quarterly, Accounting And Management Auditing Knowledge*, Vol. 5, No. 18.
24. Hiouz, Aven, 1392, *Newgovernmentmanagement*, Translation, Mehdi Alvani, Fourteenth Edition, Tehran: Morvarid.
25. Mobini Dehkordi, Sasan, 2018, *Study of the effect of the performance of the Provincial Court of Accounts in reducing cases of non-compliance with financial laws and regulations by executive officials from the perspective of managers and financial experts of the province*, Chaharmahal and Bakhtiari, Training and Research Institute Master's degree, Public Administration.
26. Nozari, Hossein Ali, 2002, "Political Parties and Party Systems" Gostarde Publication.

27. Rahimi, Hossein, 1999, The Role of Parties in Political Development and National Security, *Quarterly Journal of Strategic Studies*, No. 4.
28. Razaghi, Nader and Lotfi Khachaki, Behnam, 2018, Sociological Analysis Of The Challenges Of Survival And Sustainability Of Ngos Active In The Field Of Social Harms, Emphasizing Their Relationship With The Government, *Sociology Of Social Institutions*, The Fifth Period, No. 11.
29. Sayadur, Rahman, 2015, *Politics- Bureaucracy Relation*, Governance and Development In Bangladesh: The Case Of Local Governance.